

## بررسی عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی: مطالعه‌ای کیفی در مناطق شهری ایران

سید مهدی میرهاشمی<sup>۱</sup>، \*فرزین حق پرست<sup>۲</sup>، مازیار آصفی<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه معماری، دانشگاه بجنورد، ایران

۲. دانشیار گروه معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

۳. استاد گروه معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

(دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰)

### Investigating the Determinant of Environmental Behaviour: A Qualitative Study in Urban Areas of Iran

Seyed Mehdi Mirhashemi<sup>1</sup>, \*Farzin Haghparast<sup>2</sup>, Mazyar Asefi<sup>3</sup>

1. Assistant Professor in Architecture, University of Bojnord, Iran

2. Associate Professor in Architecture, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

3. Professor in Architecture, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

(Received: 2017.08.05 Accepted: 2018.05.30)

#### Abstract:

Investigating the determinant of environmental Behaviour is an important gateway for controlling the environmental impact of a community, city, residential municipality or settlement. Environmental Behaviour is under the influence of several humanistic and situational factors and its study needs precise evaluation of motivations, Behaviour as well as different social and personal factors. In this paper, through the use of field study; survey and in-depth interviews as well as analyzing data from interviews and observations using Grounded Theory; efforts were made to investigate the determinants of environmental Behaviour in a sample of the Iranian society. A survey was conducted with a focus on the experiences of participants in the context of a residential setting. The findings of this study are presented using the quadripartite paradigm of Stern, which showed that attitude factors had the vastest variation of determinants influencing environmental Behaviour. Accordingly, anthropocentric values are the most influencing factors. The final findings of this research (Central Category), called "Valued Based Vogue", showed that routines as commonly used Behaviours, along with proven values, have a significant effect on the environmental Behaviour of the population under study. Routines are the usual form of Behaviour that is supported and strengthened by values and have the potential of penetrating most Behavioural settings, including the residential setting.

**Keywords:** Environmental Behaviour, Home, Environment.

#### چکیده:

مطالعه عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی مدخل مهمی برای کنترل پیامدهای محیط‌زیستی در یک اجتماع، شهر یا یک سکونتگاه است. رفتار محیط‌زیستی تحت تأثیر عوامل انسانی و محیطی متفاوتی قرار دارد که درک آنها نیاز به بررسی دقیق و نزدیک موقعیت‌های فردی و اجتماعی دارد. در این مقاله با استفاده از پیمایش‌های صورت گرفته؛ (مصاحبه‌های عمیق و مشاهده) و تحلیل داده‌های حاصل با استفاده از روش داده بنیاد؛ تلاش شده است تا عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی در نمونه‌ای از جامعه ایران بررسی شود. پیمایش‌های صورت گرفته بر تجربیات مشارکت‌کنندگان در بستر سکونتگاه متمرکز بوده است. نتایج حاصل از این مطالعه که با استفاده از پارادایم چهارگانه استرن ارائه شده است، نشان می‌دهد عوامل نگرشی (ارزش‌ها، عقیده و هنجار) دارای بیشترین تنوع از موضوعات تأثیرگذار بر رفتار محیط‌زیستی هستند؛ بر همین اساس ارزش‌های انسان محور یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی است. یافته نهایی این تحقیق (مقوله مرکزی) که با عنوان «رویه ارزشی» نام‌گذاری شده است، نشان می‌دهد جریان‌های اجتماعی به‌عنوان رویه‌های رایج رفتاری، در کنار ارزش‌های تثبیت شده، تأثیر بسزایی بر رفتار محیط‌زیستی جامعه مورد مطالعه دارد. رویه‌ها شکل مرسوم و عملی رفتار هستند که به‌وسیله ارزش‌ها پشتیبانی و تقویت می‌شوند و توان نفوذ به اکثر قرارگاه‌های رفتاری از جمله مسکن را دارند.

**واژه‌های کلیدی:** رفتار محیط‌زیستی، مسکن، محیط‌زیست.

\* نویسنده مسئول: فرزین حق پرست (این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده سوم با عنوان «مسکن با اثرات زیست محیطی کمتر (بررسی کیفی رفتار زیست محیطی بخشی از جامعه مسلمان ایران و ارتباط آن با اثرات زیست محیطی مسکن)» می باشد که با راهنمایی دکتر فرزین حق پرست و دکتر مازیار آصفی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است)

\*Corresponding Author: Farzin Haghparast

E-mail: f.haghparast@tabriziau.ac.ir

## مقدمه

امروزه میزان قابل توجهی از مصرف انرژی و تولید گازهای گلخانه‌ای در سکونتگاه‌های انسانی رخ می‌دهد. انرژی دریافت شده در بخش سکونت حدود نصف انرژی مصرف شده در بخش صنعت و همین‌طور در بخش حمل نقل و کمی بیشتر از بخش تجاری است (Annual Energy Outlook, 2014). مصرف انرژی در بخش ساختمان در ایران از این نیز فراتر است و در بخش خانگی و تجاری به ترتیب ۱.۹ و ۱.۵ برابر متوسط جهانی است (Ministry of Energy 2013). این ارقام نشان‌دهنده اهمیت بخش مسکن و ساختمان برای کنترل وضعیت محیطی در ایران است؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد (Wei et al. 2007) در سکونتگاه‌های و شهرها، عوامل انسانی و رفتاری سهم قابل توجهی در ایجاد اثرات محیطی دارند؛ این مسئله به معنای اهمیت مطالعه رفتار محیط‌زیستی برای بهبود شرایط محیط‌زیستی جامعه است. اکنون پرسش این تحقیق این است که چه عواملی رفتار محیط‌زیستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ این مطالعه برای پاسخ به این پرسش و برای شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی شکل گرفته است. هدف این مطالعه در درجه نخست دستیابی به عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی و در درجه دوم دستیابی به درکی صحیح از ارتباط و کارکرد این عوامل در موقعیت‌های واقعی است.

بررسی تحقیقات در زمینه رفتار محیط‌زیستی نشان می‌دهد، در نحوه جهت‌گیری تحقیقات در این حوزه یک نقطه افتراق وجود دارد، این افتراق به انتخاب میان فرد<sup>۲</sup> و زمینه<sup>۳</sup> به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری رفتار محیط‌زیستی مربوط می‌شود. دو عامل فرد و زمینه را می‌توان به‌عنوان محرک‌های درونی و بیرونی یک رفتار در نظر گرفت. مطالعات متمرکز بر شخص معمولاً محرک‌ها و مطالعات مبتنی بر زمینه معمولاً تسهیل‌کننده‌ها و موانع ساختاری برای رفتار را مورد توجه قرار می‌دهند (Schultz & Kaiser, 2012). نظریاتی مانند رفتار برنامه‌ریزی‌شده<sup>۵</sup> (Ajzen, 1985)؛

(Ajzen 1991)، فعال‌سازی هنجاری<sup>۶</sup> (Schwartz, 1977) و مدل ارزش عقیده هنجار<sup>۷</sup> (Stern et al., 1999) را می‌توان جز نظریات مبتنی بر فرد و نظریاتی مانند تنگنا یا معمای اجتماعی<sup>۸</sup> (Gifford 2008) و مدل بازاریابی اجتماعی<sup>۹</sup> (Lefebvre, 2013) را می‌توان جزو نظریات مبتنی بر زمینه در نظر گرفت. محققانی که توجه خود را به فرد معطوف نموده‌اند چندین دیدگاه انگیزشی را مطرح کرده‌اند. محرک‌های مبتنی بر منافع شخصی<sup>۱۰</sup>، محرک‌های مبتنی بر منافع اجتماعی<sup>۱۱</sup> و محرک‌های مبتنی بر ارزش‌های محیط‌زیستی<sup>۱۲</sup>؛ فرض بر این است که هر چه محرک‌ها و انگیزش فرد بیشتر باشد بر موانع و سختی‌های بیشتری برای انجام حمایت از محیط‌زیست غلبه می‌کند (Schultz & Kaiser 2012). اما محققانی که بر زمینه رفتار تمرکز کرده‌اند، بر بهبود شرایط، کاستن از موانع و ایجاد سهولت برای رفتار محیط‌زیستی تأکید می‌کنند. این دیدگاه در پیوند با مقیاسی است که اقدامات محیط‌زیستی را از آسان به سخت طبقه‌بندی می‌کند. در دیدگاه‌های مبتنی بر فرد تلاش بر ایجاد انگیزه است اما در این نظریه تلاش برای کاستن سختی و سهل نمودن رفتار مسئولانه است (Schultz & Kaiser 2012). در اینجا تلاش می‌شود با اقداماتی مانند افزایش دسترسی، ایجاد فایده در مقابل کاستن از هزینه و یا حتی تغییر در شرایط فیزیکی اقدامات محیطی را بهبود بخشید.

در این تحقیق تلاش شده است تا همه عوامل وابسته به فرد و زمینه در یک چارچوب جامع و پیوسته بررسی شود. تلاش برای رسیدن به یک چارچوب پیوسته از این جهت ضروری است که محرک‌های درونی و بیرونی رفتار، نقش مکمل یکدیگر را بازی می‌کنند، به این معنا که کاستن از موانع و یا افزودن به انگیزه، دو استراتژی برای یک هدف هستند. در نتیجه صرف هزینه و برنامه‌ریزی برای یکی از این ابعاد بدون در نظر گرفتن بعد دیگر می‌تواند منجر به شکست برنامه‌ریزی یا سیاست‌گذاری‌های محیطی شود، درحالی‌که توجه به عوامل انسانی و زمینه‌ای به‌طور هم‌زمان امکان جایگزین کردن و تقویت کردن استراتژی‌های محیطی را فراهم می‌کند. البته تلاش برای دستیابی به یک راه‌حل جامع دور

۱. در حدود یک‌چهارم

2. Person

3. Context

۴. این افتراق به معنی نادیده گرفته شدن هر یک از این عوامل توسط محققان نیست، بلکه معمولاً به‌واسطه روش‌شناسی و حوزه خاص پژوهش به وجود آمده است.

5. Planned Behaviour

6. Norm Activation Theory

7. Values, Beliefs, Norms (VBN)

8. Social Dilemma

9. Social Marketing

10. Egoistic

11. Social-Altruistic

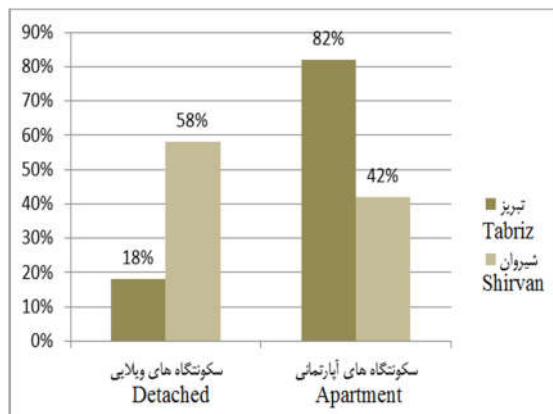
12. Biospheric Values

از نظر سایر محققان نبوده است، اما رویکرد نو و اختصاصی این پژوهش، رسیدن به پاسخی است که از طریق بررسی نزدیک و بی‌واسطه رفتار محیط‌زیستی به دست آمده است.

**روش‌شناسی پژوهش**

از آنجا که بخش بزرگی از این تحقیق، یک جستجوی اکتشافی است که رفتار انسان و فعالیت‌های انسانی را بررسی می‌کند ضروری است رویکرد آن رویکردی ژرف‌نگر باشد. چنین رویکردی باعث شده است تا در این تحقیق برای بررسی بی‌واسطه و نزدیک رفتار محیط‌زیستی از روش تئوری زمینه‌ای<sup>۱</sup> و یا داده بنیاد تئوری (Corbin & Strauss 1998; Strauss & Corbin 2008) استفاده شود. روشی که با جامعه‌ای (نمونه) کوچک سروکار دارد، اما در عوض دامنه بررسی‌اش وسیع است و از روندهای کیفی استفاده می‌کند (Kamran, 2009). چنین روشی امکان بررسی انگیزه‌ها و ایده‌های افراد جامعه را به میزان بیشتری در اختیار محقق قرار داده است.

نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها در این پژوهش در دو منطقه شهری ایران یعنی تبریز در استان آذربایجان شرقی و شیروان در خراسان شمالی انجام شده است. با توجه به اینکه یکی از استراتژی‌های اولیه نمونه‌گیری در روش داده بنیاد، نمونه‌گیری با بیشترین تنوع است، انتخاب این دو شهر امکان افزایش تنوع را میسر نموده است. در واقع انتخاب این دو شهر از لحاظ تکنیکی به منظور مقایسه نتایج نبوده است بلکه هدف آن میسر نمودن مثلث‌بندی (Corbin & Strauss 2008) منابع داده است. البته دلیل اولیه انتخاب این دو شهر از میان شهرهای مشابه، دسترسی (Marshall, 1996) به این دو شهر بوده است. شهر تبریز یک کلان‌شهر با قدمت زیاد است که می‌توان نمونه کامل زندگی شهری را در آن مشاهده نمود. در حالی که شیروان یک شهر کم‌جمعیت با ساکنانی است که هنوز ارتباط زیادی با شیوه زندگی روستایی دارند. سکونتگاه‌های غالب در این دو شهر نیز دارای تفاوت‌های زیادی است؛ در حالی که بیشتر سکونتگاه‌ها در شهر شیروان ویلایی و حیاط دار هستند، شکل رایج سکونتگاه در شهر تبریز آپارتمان است (شکل ۱).



شکل ۱. فراوانی سکونتگاه‌های ویلایی و آپارتمانی بر اساس اطلاعات مشارکت‌کنندگان (نگارنده)

Figure 1. Frequency of detached and apartment residences based on participants' information (author)

پس از گردآوری و مستندسازی داده‌ها نوبت به تحلیل یا کدگذاری داده‌ها می‌رسد. کدگذاری در ساده‌ترین تعریف به معنی نام‌گذاری بخش‌های داده‌ها، با یک عنوان برای طبقه‌بندی و خلاصه‌سازی و توضیح آن است (Charmaz 2006: 43 cited in Thornberg, Charmaz 2014: 156). در این تحقیق از میان‌گرایی‌های مختلف کدگذاری، روش پیشنهادی استراوس و کربین (۱۹۹۸) به‌عنوان یک روش

از نظر سایر محققان نبوده است، اما رویکرد نو و اختصاصی این پژوهش، رسیدن به پاسخی است که از طریق بررسی نزدیک و بی‌واسطه رفتار محیط‌زیستی به دست آمده است.

## روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که بخش بزرگی از این تحقیق، یک جستجوی اکتشافی است که رفتار انسان و فعالیت‌های انسانی را بررسی می‌کند ضروری است رویکرد آن رویکردی ژرف‌نگر باشد. چنین رویکردی باعث شده است تا در این تحقیق برای بررسی بی‌واسطه و نزدیک رفتار محیط‌زیستی از روش تئوری زمینه‌ای<sup>۱</sup> و یا داده بنیاد تئوری (Corbin & Strauss 1998; Strauss & Corbin 2008) استفاده شود. روشی که با جامعه‌ای (نمونه) کوچک سروکار دارد، اما در عوض دامنه بررسی‌اش وسیع است و از روندهای کیفی استفاده می‌کند (Kamran, 2009). چنین روشی امکان بررسی انگیزه‌ها و ایده‌های افراد جامعه را به میزان بیشتری در اختیار محقق قرار داده است.

نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها در این پژوهش در دو منطقه شهری ایران یعنی تبریز در استان آذربایجان شرقی و شیروان در خراسان شمالی انجام شده است. با توجه به اینکه یکی از استراتژی‌های اولیه نمونه‌گیری در روش داده بنیاد، نمونه‌گیری با بیشترین تنوع است، انتخاب این دو شهر امکان افزایش تنوع را میسر نموده است. در واقع انتخاب این دو شهر از لحاظ تکنیکی به منظور مقایسه نتایج نبوده است بلکه هدف آن میسر نمودن مثلث‌بندی (Corbin & Strauss 2008) منابع داده است. البته دلیل اولیه انتخاب این دو شهر از میان شهرهای مشابه، دسترسی (Marshall, 1996) به این دو شهر بوده است. شهر تبریز یک کلان‌شهر با قدمت زیاد است که می‌توان نمونه کامل زندگی شهری را در آن مشاهده نمود. در حالی که شیروان یک شهر کم‌جمعیت با ساکنانی است که هنوز ارتباط زیادی با شیوه زندگی روستایی دارند. سکونتگاه‌های غالب در این دو شهر نیز دارای تفاوت‌های زیادی است؛ در حالی که بیشتر سکونتگاه‌ها در شهر شیروان ویلایی و حیاط دار هستند، شکل رایج سکونتگاه در شهر تبریز آپارتمان است (شکل ۱).

نمونه‌های موردنظر این تحقیق در درجه نخست مصاحبه‌هایی هستند که با ساکنین دو شهر تبریز و شیروان انجام شده است اما به دلیل عدم کفایت مصاحبه (Wimpenny

گام به گام و فرایندی مورد استفاده قرار گرفته است. مراحل مورد نظر این محققان عبارت است از کدگذاری باز، محوری و انتخابی. استراوس و کربین (۱۹۹۸) برای تحلیل داده‌ها یک پارادایم نیز پیشنهاد کرده‌اند که شامل جست‌وجوی رویدادهای معنادار در یک فرایند اجتماعی است. البته این پارادایم عامل اختلاف نظر و انتقادهایی به شیوه کدگذاری آنها شده است (Kelle, 2007)؛ به همین دلیل در این تحقیق از مدل نظری استرن (۲۰۰۰) به عنوان پارادایم تحلیلی در بخشی از فرایند کدگذاری استفاده شده است. استرن ضمن ارائه مدل معروف خود (ارزش، عقیده، هنجار؛ که آن را یک مدل در حوزه نگرش می‌داند) تلاش کرده است سایر عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی را طبقه‌بندی کند. استفاده از پارادایم تحلیلی یکی از شیوه‌های رایج برای ارائه نتایج اولیه در تحقیقات کیفی است، استراوس و کربین در اولین کار خود (Strauss & Corbin 1998) این پارادایم را در بخش کدگذاری محوری آورده‌اند اما در ویرایش بعدی کتاب آنها (Corbin & Strauss, 2008)، طرح این پارادایم صراحت اولیه خود را از دست داده است و بیشتر جنبه تحلیلی به خود گرفته است. از دید کربین و استراوس (۲۰۰۸) پارادایم تحلیلی یک استراتژی تحلیلی است، همان گونه که ماتریس شرطی پیامدی چنین کارکردی دارد، یعنی مقدمه‌ای برای ورود به تحلیل نهایی (کدگذاری انتخابی). به همین دلیل در این پژوهش ابتدا نتایج کدگذاری باز و محوری در قالب پارادایم مورد نظر استرن ارائه شده است و سپس در مرحله کدگذاری انتخابی تحلیل نهایی روی داده‌ها صورت گرفته است و مقوله مرکزی یا یافته اصلی پژوهش ارائه شده است.

مدل متغیرهای علی<sup>۱</sup> استرن (Stern 2000) دارای چهار بخش است که از نظر استرن می‌تواند همه عوامل مؤثر بر رفتار محیطی را دسته‌بندی کند. این پارادایم پراکنش و ارتباط یافته‌ها با نظریه‌های رفتار محیطی را روشن تر می‌کند. متغیرهای این مدل به شرح ذیل هستند.

فاکتورهای نگرشی<sup>۲</sup>

الف: ارزش

ب: عقیده

ج: هنجار

نیروهای موقعیتی<sup>۳</sup>

توانمندی‌های فردی<sup>۴</sup>  
عادات و روزمرگی<sup>۵</sup>

در این پژوهش با استفاده از این پارادایم فهرست وسیعی از عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی طبقه‌بندی شده‌اند که پس از جمع‌بندی در یک مدل نظری خلاصه شده‌اند، این مدل نظری که حاصل کدگذاری انتخابی است، تلاشی است برای ارائه تصویری جامع اما موجز از عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری رفتار محیط‌زیستی.

### یافته‌های پژوهش

بیش از پنجاه مقوله اولیه (کدگذاری باز) از عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی<sup>۶</sup> شناسایی و فهرست شده است؛ سپس طی کدگذاری محوری به چهار محور اصلی که از پارادایم چهارگانه استرن (۲۰۰۰) اقتباس شده، منتهی شده است (شکل ۲ تا شکل ۵). در انتها برآیند عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی که نتیجه نهایی تحلیل داده‌ها (کدگذاری انتخابی) محسوب می‌شود، به صورت یک مدل تبیینی ارائه شده است (شکل ۶).

به عنوان بخشی از فرایند نظری نهفته در روش داده بنیاد و برای ارزیابی مستمر یافته‌ها؛ هم‌زمان با تحلیل داده‌ها، مدل‌های متعددی از سایر محققان (Schwartz 1977; Fietkau, Kessel 1981; Hines et al. 1986; Ajzen 1991; Stern 2000; Kollmuss, Agyeman 2002; Gifford 2008) مورد بررسی قرار گرفته است، مشابهت این مدل‌ها با یافته‌های تحقیق در درون نمودارهای ۲ تا ۶ آورده شده است.

### یافته‌های اولیه، کدگذاری باز و محوری

فرایند تکوین یافته‌ها و سیر همگرایی آنها به سادگی قابل تفکیک به مرحله‌های مجزا (باز، محوری و انتخابی) نیست، بلکه فرایند تحلیل یک فرایند پیوسته و مستمر است. با این وجود تلاش شده است برای میسر نمودن امکان ارزیابی یافته‌ها، این مراحل تا حدی از یکدیگر متمایز شوند. در ذیل نتایج عمده کدگذاری باز و محوری به صورت نمودار ارائه شده است، این نمودارها فرایند شکل‌گیری مفاهیم و روند همگرایی آنها را نشان می‌دهد.

4. Personal Capabilities  
5. Habit or Routine  
6. Determinant of Environmental Behaviour

1. Causal Variables  
2. Attitudinal Factors  
3. Contextual Forces

گرفته شده است. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد زمینه اجتماعی و محیطی، از دید جامعه مورد مطالعه چندان مثبت نیست، یعنی افراد امکانات و شرایط لازم برای اقدام محیطی را مهیا نمی‌دانند.

#### مقاله محوری سوم: عادات و روزمرگی (شکل ۴)

داده‌ها نشان می‌دهد بسیاری از اقدامات درون خانه بر اساس عادات انجام می‌شود. عادات دارای شکل و صورت‌های متنوع است. برخی از عادات جنبه روزمره دارند مانند نظافت روزانه سکونتگاه. منشأ برخی عادات سنت و فرهنگ است برخی شباهت به هنجارها دارند و دارای جنبه‌های ارزشی هستند مانند جمع‌آوری نان خشک. این عادات را می‌توان عادات هدف‌دار یا ارزشی نامید، در مقابل برخی عادات که صرفاً شکل رایج انجام یک رفتار هستند. در بیشتر مدل‌های رفتار محیطی عادات یک فاکتور بیرونی، مداخله کننده یا تعدیل کننده در نظر گرفته شده است. داده‌ها نشان می‌دهد بیشتر رفتارهای محیطزیستی جامعه مطالعه بر اساس تصمیم‌گیری (قصد رفتاری) صورت نمی‌پذیرد بلکه تحت تأثیر عادات و سنن رفتاری انجام می‌شود، با این وجود افراد نسبت به مفهوم عادات رفتاری آگاه هستند و تمایل به حفظ و گسترش عادات مثبت دارند.

#### مقاله محوری چهارم: توانمندی‌های فردی (شکل ۵)

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد در بسیاری از اوقات افراد به این دلیل از اقدام محیطی صرف نظر می‌کنند که توان کافی برای انجام آن را ندارند. بخشی از این توان به دانش افراد و شناخت راه حل بازمی‌گردد. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد مسائل اقتصادی (که در اینجا جزء توانایی‌های فردی در نظر گرفته شده است)، از عوامل مهم تصمیم‌گیری در انجام اقدامات محیطی است. از طرفی وقتی افراد نیازهای معمول خود را در تقابل با اقدامات محیطی می‌بینند ممکن است از اقدام محیطی صرف نظر کنند. توانمندی‌های فردی کارکردی مشابه «کنترل» در مقاله محوری دوم «نیروهای زمینه» دارد با این تفاوت که منشأ توانمندی‌ها، خود اشخاص هستند اما منشأ «کنترل» مجموعه عوامل فردی، اجتماعی و محیطی است.

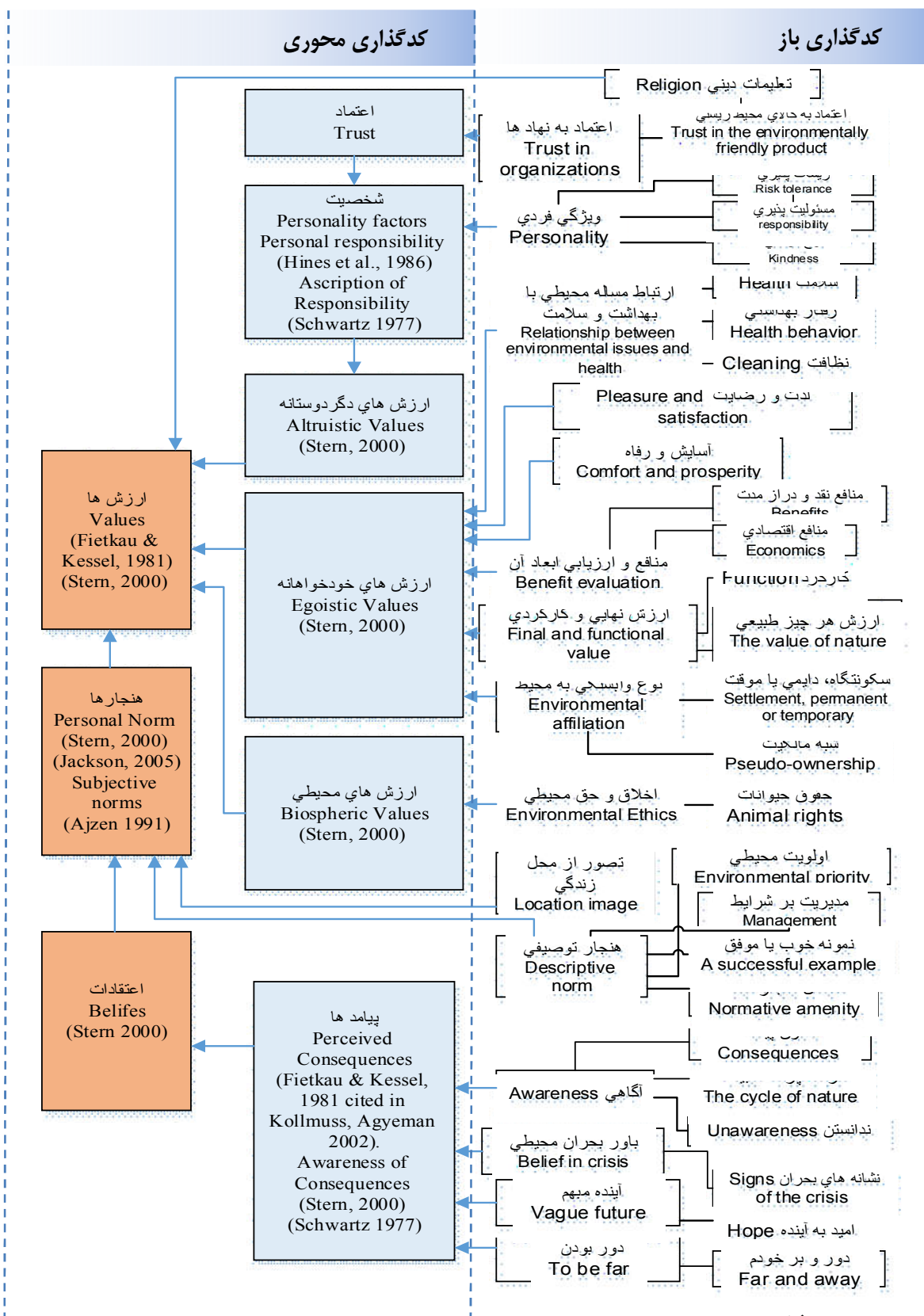
#### مقاله محوری اول: ارزش‌ها، عقاید و هنجارها، عوامل نگرشی (شکل ۲)

این مقاله شامل ارزش‌های مختلف از جمله ارزش‌های انسان‌محور، محیط‌محور و دگر دوستانه است. همچنین شامل عوامل تقویت کننده این ارزش‌هاست، این عوامل عبارت‌اند از «اعتماد» و ویژگی‌های شخصیتی مانند «نوع دوستی» و «مسئولیت پذیری». این مقاله (عوامل نگرشی) شامل متنوع‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار محیطزیستی است. داده‌ها نشان می‌دهد بیشتر مقوله‌های اولیه بر ارزش‌های خودخواهانه یا انسان‌محور مبتنی هستند. در نتیجه می‌توان گفت ارزش‌های خودخواهانه اساس ارزش‌های محیطی را در جامعه مورد مطالعه شکل می‌دهند. بخش دوم این مقوله مربوط به عقاید افراد نسبت به خطرات احتمالی و پیامدهای ناشی از مسائل محیطی است. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد باور افراد جامعه به بحران محیطی به اندازه کافی جدی و عمیق نیست. بخش سوم این مقوله مربوط به هنجارهایی است که متأثر از کیفیت و نحوه رفتار در سطح اجتماع هستند. بخشی از هنجارها نیز حاصل تصور افراد از محل زندگی‌شان است. هنجارها در مدل‌های رفتار محیطی به صورت متفاوت (هنجار ذهنی، هنجار شخصی، هنجار توصیفی و هنجار بازدارنده) طرح می‌شوند در اینجا اکثر هنجارها از انواع هنجارهای توصیفی محسوب می‌شوند. یعنی هنجارهایی که شیوه رایج و مقبول رفتار را نشان می‌دهند.

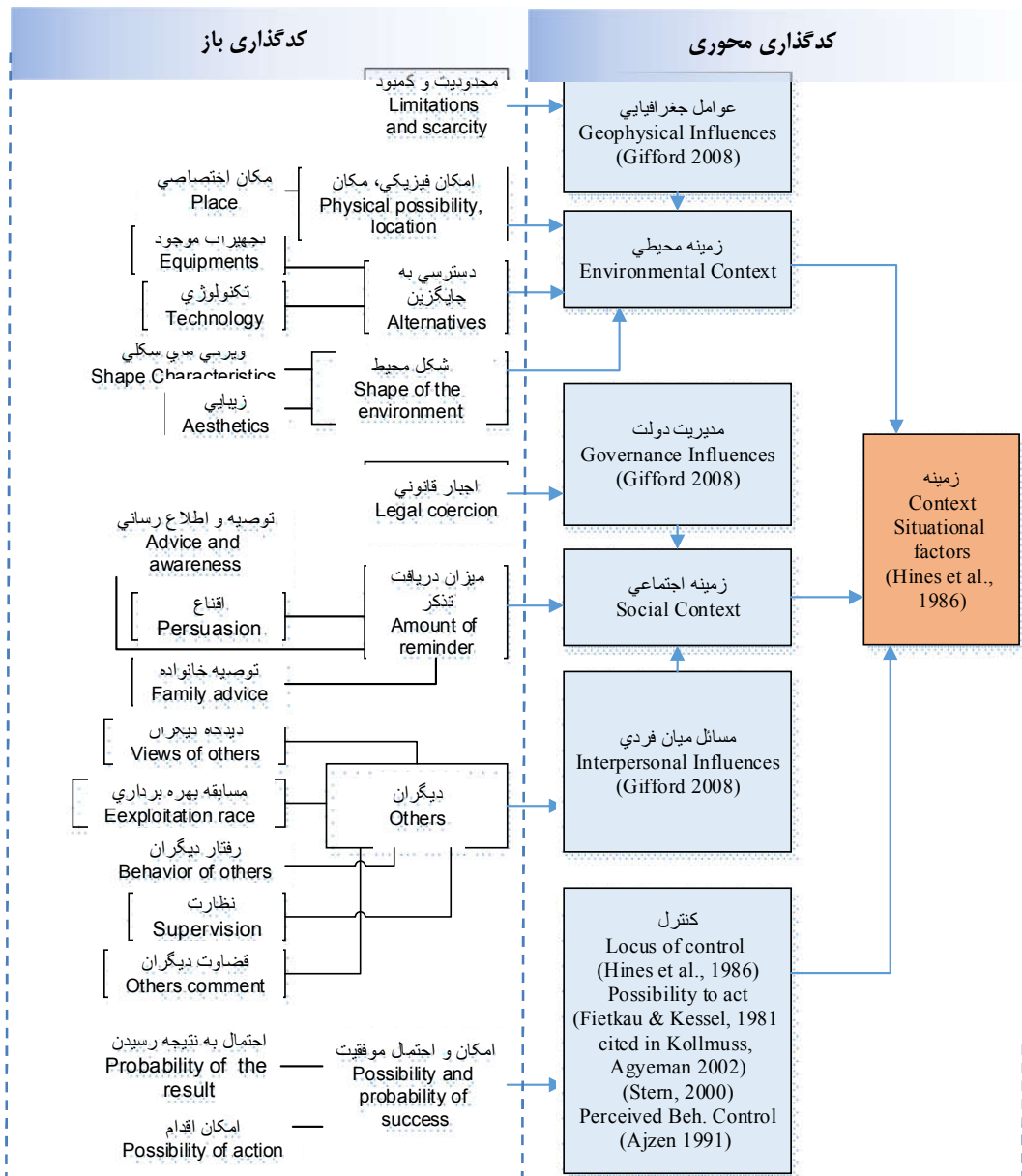
#### مقاله محوری دوم: نیروهای زمینه (شکل ۳)

در بیشتر تحقیقات محیطی منظور از زمینه، زمینه اجتماعی (Derksen, Gartrell 1993; Willuweit 2009) است. در اینجا زمینه اجتماعی بخشی از زمینه بزرگ‌تری است که از تحلیل داده‌های تحقیق به دست آمده است. زمینه مورد نظر این تحقیق به سه بخش زمینه محیطی، زمینه اجتماعی و کنترل تقسیم شده است. کنترل در مدل‌های رفتار محیطی نقش یک تعدیل کننده مهم را بازی می‌کند. کنترل، اشاره به وجود شرایط و امکاناتی دارد که رفتار محیطی را میسر می‌کنند. ارزیابی افراد از این شرایط و امکانات «کنترل ادراک شده»<sup>۱</sup> را می‌سازد. کنترل ادراک شده بر «قصد رفتار»<sup>۲</sup> تأثیرگذار است (Ajzen, 1985)؛ اما در اینجا جنبه بیرونی کنترل، یعنی امکان و احتمالات مؤثر بر انجام فعل، به عنوان شرایط زمینه‌ای در نظر

1. Perceived Behavioural Control  
2. Behavioural Intention

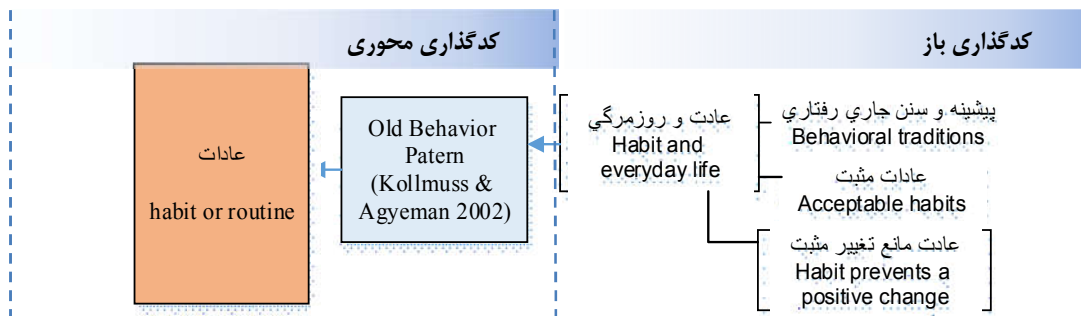


شکل ۲. ساختار مقوله محوری اول، ارزش، عقیده، هنجار (نگارنده)، به همراه مقایسه با کار سایر محققان  
 Figure 2. The structure of the first category, value, belief, norm (author), and comparison of other researches



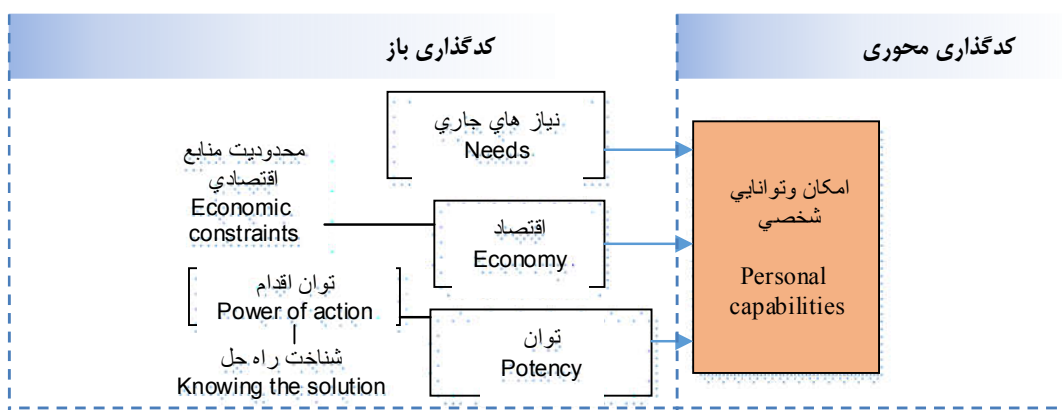
شکل ۳. ساختار مقوله محوری دوم، نیروهای زمینه (نگارنده)، به همراه مقایسه با کار سایر محققان

Figure 3. The structure of the second axial category, the forces of the context (author), and comparison of other researches



شکل ۴. ساختار مقوله محوری سوم، عادات و روزمرگی (نگارنده)

Figure 4. Structure of the Third Axial category, habits and routine (author)



شکل ۵. ساختار مقوله محوری چهارم، توانمندی‌های فردی (نگارنده)

Figure 5. Structure of the Fourth Axial category, Individual Abilities (author)

می‌دهند.

نتیجه مقبول و اثرات قابل مشاهده‌ای که انجام اقدام به دنبال دارد.

بعد دیگر جریان مربوط به عادات و سنت‌های جاری است. رفتاری که جریان دارد در بیشتر موقعیت‌ها و توسط اکثر افراد جامعه انجام می‌شود و با سایر عادات و شیوه‌های جاری زندگی در تناقض نیست، بلکه می‌تواند بخشی از عادات و سنن یک جامعه باشد. رفتاری که جریان دارد دارای شکل و صورتی است که انجام آن را برای اکثر افراد جامعه عملی نموده است یعنی انجام فعل در محدوده توان اقتصادی و اجرایی اکثر افراد جامعه است. از این منظر جریان و امکان دوروی به هم چسبیده از شرایطی را توصیف می‌کنند که انجام یک اقدام را تسهیل می‌کند و مهم‌تر از آن بخشی از انگیزه آن را نیز تأمین می‌کند. جریان، شرایط اجتماعی و امکان، شرایط شخصی و موقعیتی تسهیل‌کننده‌ها را نشان می‌دهند.

#### ارزش‌ها

ارزش‌ها به ذهنیت و محرک‌های درونی برای همراهی با یک جریان اشاره می‌کند. در همین چارچوب عقاید به ادراک افراد از نتیجه و پیامدهای رفتار اشاره می‌کند که جزء دیگری از انگیزه لازم برای اقدام محیطی را تأمین می‌کند. در این مقوله، هنجار شخصی به شکل درونی شده‌ی هنجارها اشاره دارد، هنجارهایی که توسط ارزش‌ها و عقاید فعال شده‌اند. در صورتی که ارزش‌ها، عقاید و هنجارهای فردی با یک رفتار رایج در جامعه همخوان باشد می‌توان انتظار داشت فرد با جریان موجود در اجتماع همراهی کند.

#### رویه ارزشی (مقوله مرکزی)

منظور از رویه ارزشی، یک جریان رفتاری است که افراد از

#### یافته نهایی (مقوله مرکزی)، کدگذاری انتخابی

نتیجه نهایی تحلیل داده‌ها (کدگذاری انتخابی) به صورت یک مدل تبیینی از عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی ارائه شده است (شکل ۶). در حین تحلیل داده‌ها سعی شده است برای نام‌گذاری و طبقه‌بندی مقوله‌ها از نظریه‌های شناخته‌شده در زمینه رفتار محیطی استفاده شود. استراوس و کربین (۱۹۹۸) محققان تازه‌کار را از ابداع اصطلاحات جدید و عجیب منع کرده‌اند، به همین دلیل و از طرفی برای مقایسه یافته‌ها با نظریات سایر محققان تا حد امکان از مفاهیم موجود در پیشینه برای نام‌گذاری مقوله‌ها استفاده شده است. مقوله‌های محوری که در بخش قبل تشریح شدند به دو مقوله مرکزی‌تر با عنوان‌های «امکان» و «جریان» منتهی شده‌اند. این مقوله‌ها پس از تلفیق با یکدیگر مقوله مرکزی و یافته اصلی این تحقیق یعنی «رویه ارزشی» را شکل داده‌اند (شکل ۶). «رویه ارزشی» تبیینی است برای مهم‌ترین عواملی که زمینه شکل‌گیری رفتار محیط‌زیستی را به وجود می‌آورند. در ادامه هر یک از این مقوله‌ها تشریح می‌شود.

#### امکان و جریان

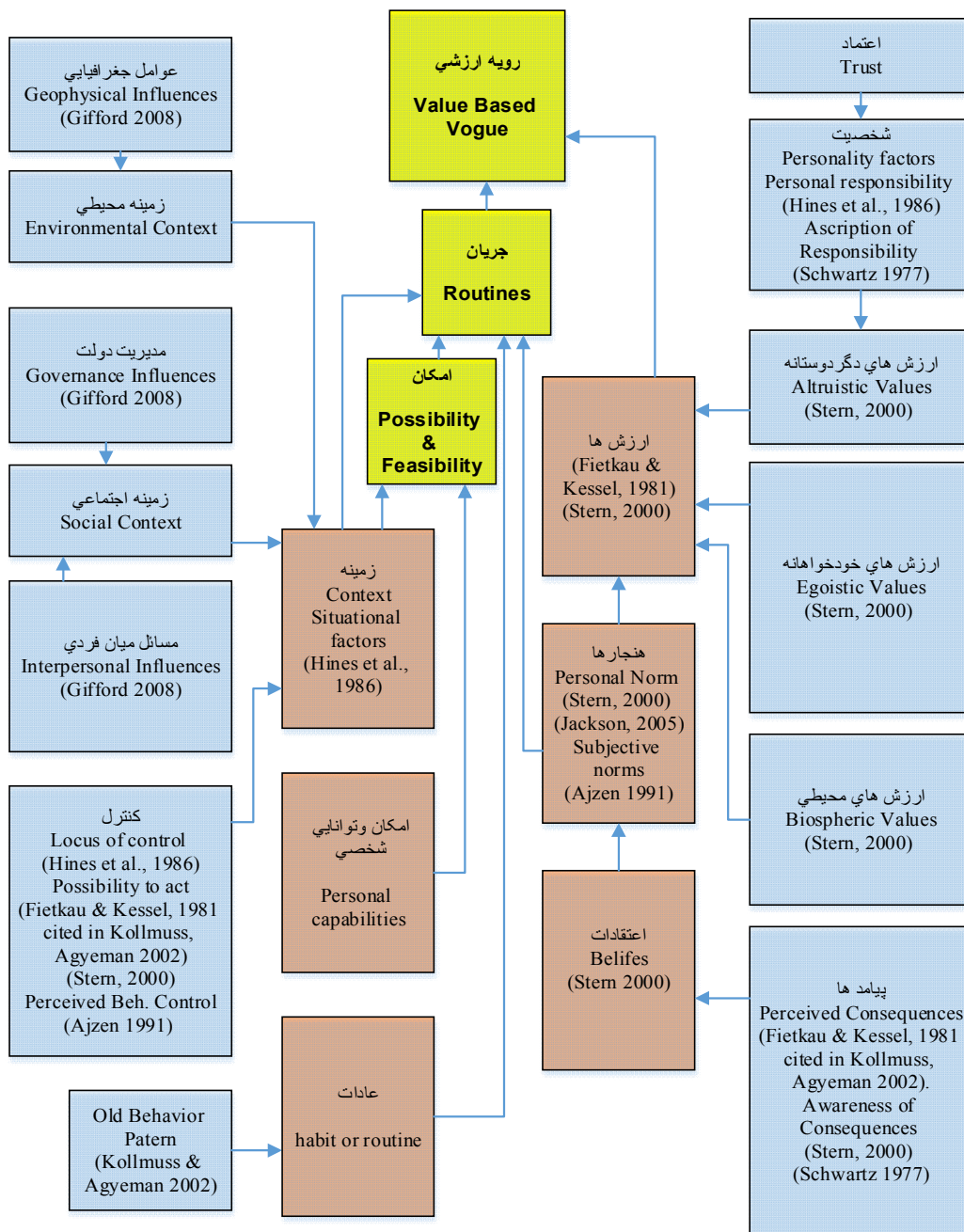
بر اساس داده‌های تحلیل‌شده، جریان موقعیتی را توصیف می‌کند که در آن یک اقدام به‌عنوان اقدامی معمول در یک اجتماع انجام می‌شود. مهم‌ترین جزء جریان عبارت است از شرایط زمینه‌ای که انجام یک فعل را میسر می‌کند. برخی از شرایط زمینه‌ای که از جریان یک اقدام حمایت می‌کنند عبارت‌اند از: دستگاه‌های دولتی و قانونی (منابع قدرت) که از آن حمایت می‌کند.

دیگرانی (گروه) که نسبت به انجام فعل عکس‌العمل نشان



تمایل خود در قبال آن را پنهان نمی‌کنند و در موقعیت‌های متفاوت واکنش یکسانی نسبت به آن دارند. این رویه واجد دو بعد است اولین بعد آن یعنی جریان بر جنبه‌های اجتماعی آن اشاره دارد و بعد دیگر آن یعنی ارزش به جنبه‌های فردی آن اشاره می‌کند.

یک‌سو به‌واسطه ارزش‌های درونی و از سوی دیگر به خاطر همراهی جامعه، از آن پیروی می‌کنند. علاوه بر آن منابع قدرت و ارکان سیاسی جامعه از رویه ارزشی حمایت می‌کنند و افراد جامعه ارزش‌های خود را در تقابل با آن نمی‌بینند، در نتیجه تفسیر نسبتاً یکسانی از آن میان افراد جامعه وجود دارد، افراد



شکل ۶. عوامل مؤثر بر رفتار محیطی (کدگذاری انتخابی، مقوله مرکزی) (نگارنده)

Figure 6. Factors Affecting Environmental Behaviour (Selective Coding, Central Category) (author)

## بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه یافته‌های این پژوهش با سایر تحقیقات مشابه نشان می‌دهد دوگانگی موجود در مدل پیشنهادی این تحقیق منطبق با دو رویکرد مطرح (Schultz, Kaiser 2012) برای توسعه رفتار محیط‌زیستی است. یعنی برای بهبود رفتار محیط‌زیستی لازم است از یک سو انگیزه افراد را افزایش داد و از سوی دیگر شرایط خارجی را برای افراد تسهیل نمود.

یافته‌های اولیه نشان می‌دهد عوامل نگرشی دارای متنوع‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رفتار محیط‌زیستی هستند. از میان این مؤلفه‌ها، ارزش‌های انسان‌محورانه و بهره‌بردارانه بر ذهنیت افراد جامعه مورد مطالعه تفوق دارد. پیامد محوری بودن این ارزش‌ها در مرکز قرار گرفتن نیازها و منافع افراد هنگام مواجهه با مسائل محیطی است، یعنی رفتارهای محیط‌زیستی بر اساس منافع و نیازهای افراد جامعه شکل گرفته‌اند. برخی از این منافع و نیازها مانند سلامت و رفاه با انتظارات انسان از سکونتگاه پیوند نزدیک دارند. درواقع افراد در موقعیتی مانند مسکن اولویت‌های رفتاری مشخصی دارند که می‌تواند بر رفتارهای محیط‌زیستی آنها تأثیر بگذارد و یا کیفیت این رفتارها

را تحت تأثیر قرار دهد. تحلیل نهایی داده‌های تحقیق گستره وسیعی از عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی را در دو مفهوم جریان و ارزش خلاصه نموده است. در مرحله بعد «رویه ارزشی» به‌عنوان یافته اصلی این تحقیق، این عوامل را در کنار هم و در یک چارچوب جامع قرار داده است؛ رویه ارزشی به‌عنوان مقوله مرکزی و یافته اصلی این تحقیق اشاره به این واقعیت دارد که برای تحقق یک هدف رفتاری علاوه بر وجود انگیزه، لازم است مجموعه عوامل خارجی (از امکانات فردی گرفته تا حمایت مادی و معنوی سایر افراد جامعه و منابع قدرت) از رفتار موردنظر حمایت کنند. در این مدل ارزش‌ها بیشتر نماینده عوامل درونی و جریان نماینده عوامل خارجی مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی هستند.

پیامد منطقی یافته‌های این تحقیق این است که برای بهبود رفتار محیط‌زیستی لازم است میان ذهنیت و رفتار همسازی برقرار باشد و این مسئله به میزان زیادی وابسته به موقعیتی است که افراد در آن قرار دارند، چراکه موقعیت‌های مختلف (مانند مسکن) اولویت‌های رفتاری متفاوتی را ایجاد می‌کند

## References

- Ajzen, I. (1985). "From Intentions to Actions: A Theory of Planned Behaviour". In Julius Kuhl, Jürgen Beckmann (Eds.): *Action Control. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg*, 11–39.
- Ajzen, I. (1991). "The theory of planned Behaviour". *Organizational Behaviour and Human Decision Processes*, 50 (2), 179–211. DOI: 10.1016/0749-5978(91)90020-T.
- Annual Energy Outlook 2014 with projects to 2040. (2014). "Washington DC: US Energy Information Administration".
- Charmaz, K. (2006). "Constructing grounded theory. A practical guide through qualitative analysis". London, *Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications*.
- Clayton, Susan D. and Saunders, C. D. (2012). "Environmental and Conservation Psychology". In Susan D. Clayton (Ed.): *The Oxford Handbook of Environmental and Conservation Psychology: Oxford University Press*, 1–8.
- Corbin, Juliet M. and Strauss, A. L. (2008). "Basics of qualitative research. Techniques and procedures for developing grounded theory". 3rd ed. *Los Angeles, Calif.: Sage Publications*.
- Derksen, L. and Gartrell, J. (1993). "The social context of recycling". *American sociological review*, 58(3), 434–442.
- Fietkau, H.J. and Kessel, H. (1981). "Environment: Changes in environmental awareness". *Model experiences (Koenigstein, Hain)*.
- Gifford, R. (2008). "Toward a Comprehensive Model of Social Dilemmas". In Anders Biel, Daniel Eek, Tommy Gärling, Mathias Gustafsson (Eds.): *New Issues and Paradigms in Research on Social Dilemmas*. Boston, MA: Springer US, pp. 265–279.
- Glaser, B. G. and Strauss, A. L. (1967). "The discovery of grounded theory, Strategies for qualitative research". *Chicago: Aldine Pub. Co (Observations)*.
- Hines, Jody M., Hungerford, H. R. and

- Tomera, A. N. (1986). "Analysis and Synthesis of Research on Responsible Environmental Behaviour. A Meta-Analysis". *The Journal of Environmental Education*, 18(2), 1-8. DOI: 10.1080/00958964.1987.9943482.
- Kamran, F. (2009). "Development of research projects". (*Proposals*), Tehran: Publishing of the Daneshyar: Islamic Azad University of Roudehen Branch. [in Persian]
- Kelle, U. (2007): "Emergence" vs. "forcing" of empirical data? A crucial problem of "Grounded Theory" reconsidered". *Historical Social Research/Historische Sozialforschung. Supplement*, 6(2), 133-156.
- Kollmuss, A. and Agyeman, J. (2002). "Mind the Gap. Why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental Behaviour?" *Environmental Education Research*, 8 (3), 239-260. DOI: 10.1080/13504620220145401.
- Lefebvre, R. C. (2013). "Social marketing and social change". Strategies and tools for health, well-being, and the environment. 1st ed. San Francisco, CA: Jossey-Bass, Wiley.
- Marshall, Martin N. (1996): "Sampling for qualitative research". *Fam Pract.* 13 (6), 522-526. DOI: 10.1093/fampra/13.6.522.
- Ministry of Energy. (2013). "Energy Balance of 2012". Tehran: Ministry of Energy, Deputy of Electricity and Energy Affairs. Office of Planning for Electricity and Energy, IR IRAN. [in Persian]
- Scheuthle, H., Carabias-Hutter, V. and Kaiser, F. G. (2005). "The Motivational and Instantaneous Behaviour Effects of Contexts. Steps Toward a Theory of Goal-Directed Behaviour1". *J Appl Social Pyschol* 35 (10), 2076-2093. DOI: 10.1111/j.1559-1816.2005.tb02210.x.
- Schultz, P., Wesley. and Kaiser, F. G. (2012). "Promoting Pro-Environmental Behaviour". In Susan D. Clayton (Ed.): *The Oxford Handbook of Environmental and Conservation Psychology*: Oxford University Press.
- Schwartz, S. H. (1977). "Normative Influences on Altruism. In Leonard Berkowitz (Ed.)" *Advances in Experimental Social Psychology* Volume 10, vol. 10: Elsevier (Advances in Experimental Social Psychology, 10), 221-279.
- Stern, P. C. (2000). "New Environmental Theories. Toward a Coherent Theory of Environmentally Significant Behaviour". *J Social Issues*, 56 (3), 407-424. DOI: 10.1111/0022-4537.00175.
- Stern, P.C., Dietz, T., Abel, T.D., Guagnano, G A. and Kalof, L. (1999). "A value-belief-norm theory of support for social movements, The case of environmentalism". *Human ecology review* 6 (2), 81-97.
- Strauss, A. L. and Corbin, J. M. (1998). "Basics of qualitative research. Techniques and procedures for developing grounded theory". 2nd ed. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Vaus, D. A. de (1991). "Surveys in social research". 3th ed. London: Routledge (*Social research today*).
- Wei, Y.M., Liu, L.C., Fan, Y. and Wu, G. (2007). "The impact of lifestyle on energy use and CO2 emission: An empirical analysis of China's residents". *Energy Policy* 35 (1), 247-257. DOI: 10.1016/j.enpol.2005.11.020.
- Willuweit, L. (2009). "Promoting Pro-Environmental Behaviour, An Investigation of the cross-cultural environmental Behaviour patterns. The Case of Abu Dhabi". *Thesis in Urban and Regional Planning (Master's level)*.
- Wimpenny, P. and Gass, J. (2000). "Interviewing in phenomenology and grounded theory: is there a difference?" *Journal of advanced nursing*, 31 (6), 1485-1492.